

خجسته باد روز خلع ید از استعمار، روز کارگران ایران

هممیهنان، کارگران بیدار دل،

بار دیگر بیست‌ونهم خرداد، روز پراج خلع ید از استعمار، گشاینده‌ی فصلی نو در پیکارهای رهایی‌بخش در محبوحه‌ی نابسامانی‌های فزاینده‌ی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی، که ایران دیرینه‌سال را به ورطه‌ی هولناکی درافکنده است، فرارسید.

چهل‌وچهار سال پیش، در روز بیست‌ونهم خردادماه یکهزاروسیصدوسی، زنان و مردان این سرزمین بلازده، در پی سالیان دراز شکست و پراکندگی، گام استواری در راستای رهایی از سلطه‌ی بیگانه برداشتند و گردانندگی صنعت نفت در سراسر کشور را بر عهده گرفتند.

سرمداران جمهوری اسلامی در ریشه‌یابی انقلاب همواره کوشیده‌اند برداشت‌های درستی از گذشته‌های دور و نزدیک صورت نگیرد تا خود را آغازگری استثنائی جلوه بدهند؛ در حالی که این رستاخیز بزرگ دنباله‌ی روند به‌پاخاستگی ایرانیان برای رستگاری ملی دست‌کم از یکصد سال پیش بوده است.

خیزش مشروطیت، جنبش ملی شدن صنعت نفت و، سرانجام، انقلاب - همه در راستای نگاهداشت میهن از گزند بیگانه و بازگشت به خویش‌ترن خویش و برقراری مردم‌سالاری به امید بهره‌مندی از آزادی و آبادی و شکوفایی فرهنگی بود. با دریغ، در هر سه مورد، به‌رغم پیروزی‌های نخستین، با دسیسه‌های گوناگون روبه‌رو شد و ناکام ماند؛ ولی ایرانیان هرگز از پای درنیفتادند و، در پی هر آفتی، خیزی دوباره برداشتند و از تکاپو برای برآوردن خواست‌های تاریخی خود بازنايستادند.

در جنبش ملی کردن صنعت نفت، بی‌گمان، برجسته‌ترین گام «خلع ید از استعمار» بود که با رهبری خردمندانه‌ی مصدق بزرگ و یآوری اندک‌شمار دیوان‌سالاران و فن‌سالاران آرمان‌خواه به‌خوبی انجام گرفت و کارگران، کارمندان، و کارشناسان ایرانی به همگان نشان دادند، بی‌نیاز از کمک بیگانه، شایستگی و ورزیدگی به چرخش درآوردن بزرگترین دستگاه‌های صنعتی جهان در آن هنگام را دارند و حتی فرآورده‌های تازه‌ای نیز ساختند.

گرچه در تاراندن غارتگران بیگانه همه‌ی مردم، از کشوری و لشکری، سهم داشتند؛ ولی، چون در این رویداد تاریخی زیادتین نقش را اردوی کارگران ایفا کردند و، در دو روز نخستین به اجرا گذاردن قانون خلع ید، به‌رغم رنج‌دیدگی‌های بسیار، شکیبایی و پویایی بی‌مانندی نشان دادند و از پگاه بیست‌ونهم خرداد آنان بودند که نمادهای سلطه‌ی انیران را یکی پس از دیگری زدودند و درفش ایران را بر فراز همه‌ی نهادهای ملی‌شده‌ی صنعت نفت برافراشتند، افتخار جاوید برای گروه اجتماعی خود پدید آوردند.

از این‌رو، در سالگرد آن پیروزی درخشان، درست هنگامی که دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیر، با هیئتی از بلندپایگان کشور برای دفاع از حق ملی در دیوان دآوری لاهه به سر می‌برد، حزب ما روز بیست‌ونهم خرداد را به عنوان «روز کارگر» پیشنهاد و جشنی درخور برپاکرد. آن پیشنهاد سازنده از سوی کارگران آزاده‌ی ایران، که افزون بر روز جهانی خواستار داشتن یک روز ملی به نام خود بودند، با خشنودی بسیار پذیرفته شد. مصدق بزرگ نیز بر آن صحه گذارد و در دل تاریخ میهن ثبت گردید.

با کودتای بیست‌وهشت مرداد یک‌هزار و سیصد و سی و دو و بر باد رفتن بخش بزرگ دستاوردهای جنبش ملی کردن صنعت نفت، که جلوگیری قرار گرفتن ایران زمین در جایگاه راستین خود در جهان ملتها گردید، باز هم کارگران تن به ناامیدی ندادند و در ستیز با استبداد وابسته به استعمار در همه جا پیشگام ماندند و سرانجام، در انقلاب بیست و دوم بهمن یک‌هزار و سیصد و پنجاه و هفت، با کردارهای ایثارگرانه و اعتصاب‌های پیگیر، ضربه‌ی نهایی را بر پیکر دشمنان مردم فرود آوردند.

در پی آن پیروزی بزرگ انتظار می‌رفت، در ایران بپاخاسته، استعمار به همراه استبداد و استعمار به زباله‌دانی تاریخ فروافتد؛ و، در آغازهای کار نیز، گام‌های استواری در این راستا برداشته شد؛ ولی واپس‌گرایان به قدرت رسیده، از لیبرال‌منش تا رادیکال‌ماب، خیلی زود جدول ارزش‌های انقلاب را درهم‌ریختند و حيله‌گرانه از دگرگونی‌های ریشه‌دار در همه‌ی زمینه‌های زندگی ملی پیشگیری کردند.

در این میان، کارگران، که افزون بر برآوردن نیازهای ملی خواستار پایان دادن به هر گونه بهره‌کشی نابجا از نیروی خود و نیز جویای زندگی بهتر بودند، با کینه‌توزی بی‌مانند از گردرآمد رسیدگان رویه‌رو گردیدند و هر کوشش حق‌طلبانه‌ی آنان با زندان، شکنجه، و حتی کشتار درهم‌شکسته شد.

هم‌اکنون، در اوج سیه‌روزی فراگیر، که زاییده‌ی زشت‌کرداری‌های زمامداران یکه‌تاز است، کارگران ایران به‌سختی در تنگنا افتاده‌اند، ایمنی شغلی ندارند، دستمزدی درخور هزینه‌های سرسام‌آور زندگی دریافت نمی‌کنند، از بیمه‌های اجتماعی درستی برخوردار نیستند و، با تعطیل یا به بخش خصوصی واگذار گردیدن بسیاری از مراکزهای صنعتی، گروه‌ها گروه به مفاک بیکاری درمی‌غلتنند و، با برچیده شدن سازمان‌های صنفی بایسته و ساختن شوراهای دست‌آموز، در برابر پای‌مال هر حق قانونی خود بی‌پناه مانده‌اند.

با این همه، جنبش کارگران ایران آن چنان درون‌مایه‌ی سرشاری دارد که همه‌ی سرکوب‌های کور را پشت سر نهاده و با بالا گرفتن خشم و پرخاش همگانی می‌رود تا دوران شکوفایی تازه‌ای آغاز کند؛ و گزارش‌های رسیده از سراسر کشور ایستادگی و کوشش این گروه اجتماعی در آشنا را نشان می‌دهد.

پیریزی کانون‌های کارگران بازنشسته از سوی پیشکسوتان و نیز تلاش‌های پیگیر برای بازسازی اتحادیه‌های پیشینه‌دار و روی آوردن به نمایش‌های اعتراض‌آمیز و حتی در موردهایی دست زدن به اعتصاب و تحصن افق روشنی را در فضای سیاسی بسته‌ی کشور نمایان کرده است.

حزب ملت ایران در این روز غرورآفرین، ضمن بزرگداشت یاد همه‌ی قهرمانان خلع ید از استعمار، زنان و مردان کارگر را به پویا کردن سندیکاهای خود، که قربانی توطئه‌ی انحصارگران گردیده است، فرامی‌خواند تا، گذشته از به دست آوردن امتیازهای حرفه‌ای، باز هم جلودار دیگر گروه‌های اجتماعی برای برقراری مردم‌سالاری گردند و میهن را جاودانه آزاد و آباد سازند.

درد به اردوی کارگران ایران، پیروز باد ملت.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران